آداب و تشریفات سفارت در ایران دوره ی صفویه

احمد بازماندگان خمیری-دانشجوی دکترای رشته ی تاریخ دانشگاه تهران

چکیده:

با تشکیل دولت صفوی در ایران و ورود آن کشور به دایره مناسبات گسترده با قدرتهای بزرگ آن روزگار،بحث روابط خارجی و چگونگی آن به یکی از مسایل اصلی سیاست آن تبدیل گردید. این مقاله درصدد ارائه توصیفی از آداب و تشریفات دیپلماتیک در دربار صفوی می باشد و نیز پاسخ به این سئوال که در آن دربار تصمیمات مربوط به مسایل خارجی برچه اساسی اتخاذ می شد. این تحقیق نشان می دهد که هرچند بیشتر سفارتهای آن دوره بر جنبه های سیاسی-اقتصادی تاکید د اشتند؛اما دولت صفوی از آنها به عنوان وسیله یی برای نشان دادن شکوه و جلال خود استفاده می کرد.در خصوص تعیین خط مشی سیاست خارجی اگرچه به ظاهر شاه تصمیم گیرنده اصلی بود؛اما تصمیماتی که گرفته می شد براساس خرد جمعی بود که در مجلس مشورتی رئوس آن تعیین می گردید.

پیشگفتار:

دوره صفوی آغاز عصر جدیدی در روابط خارجی ایران با جهان است.تقسیم منطقه به چند دولت با گرایش های سیاسی-مذهبی و برقراری ارتباط با اروپا زمینه های جدیدی از نگرش به مسایل روابط خارجی را شکل بخشید.در این دوران سازمان مستقلی که به این مساله اختصاص داشته باشد وجود نداشت.از این رو افراد مختلفی در شکل دهی روابط خارجی ایران دخیل بودند.این مقاله درصدد است شرحی از آداب و تشریفات موجود در دربار صفوی ارائه دهد.در کنار آن به چگونگی مذاکرات و روند اخذ یک تصمیم نیز اشارات کوتاهی می شود.از آنجایی که دربار صفوی یک دربار اعیانی و اشرافی بود، تلاش می گردد تا تاثیر این شیوه بر آداب و تشریفات دیپلماتیک مورد بررسی قرار گیرد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

سفیر و سفارت

در زبان فارسی کلمه ایلچی بدون هیچ تفاوت هم به یک سفیر کبیر اطلاق می شد و هم به نماینده سیاسی و هم به یک پیک ساده دولتی.(کمپفر،1350:242) فرستادن سفیر به دربار دیگر پادشاهان، رسمی بس کهن و دیرینه است.سفرای ایرانی به کاردانی و مهارت در بازی های سیاسی از دیر باز شهره بودند و برای رسیدن به این مقام می بایست مراحلی را طی می کردند. (ابن الفراء،1947:23)ابن الفراء نامه را همچون دست و فرستاده را مانند زبان می داند.از این رو برای بیان مقصود ارسال سفیر بهترین شیوه است.(همان:7) سبزواری دو دلیل را برای فرستادن سفیر بیان می کند:« ایلچی به جانب پادشاه مخالف در دو صورت باید فرستاد:یکی آنکه از طرفین طریقه محبت و مودت مسلوک باشد و تقریبی باشد چون تهنیتی و تعزیتی و امثال آن.دوم آنکه غرضی و کاری بوده باشد که تمهید آن موقوف بر فرستادن رسول باشد.» (سبزواری،1377:815) همان برای ایلچی ویژگی هایی را بر می شمرد:« ایلچی مردی عاقل دانای فصیح سخندان حاضرجواب شجاع حمیده اخلاق قاعده دان عارف رسوم و قواعد مجالس ملوک بوده باشد و خدمت پادشاهان کرده باشد و سفر بسیار کرده باشد و از دانش بهره یافته باشد و پیشبین و عاقبت اندیش باشد و قد و قامت و منظر نیکو داشته باشد. و اگر مردی پیر و عالم باشد نیکو باشد.و اگر دلیر و مردانه باشد و آداب سلاحداری و سواری و مبارزت نیکو داند نیکو باشد.»(همانجا) از دید ابن الفراء سفیر باید کسی باشد که بتواند امور را به نفع خداوند خویش تغییر دهد، سخندان باشد،از فرصتها خوب استفاده کند،زباندان،خوش صورت،تیزبین و دارای قلب آهنین باشد. (ابن الفراء،1947:10)سفیر باید بهترین فرد برای این کار باشد؛زیرا حکما گفته اند:سه چیز بر سه چیز دلالت می کند:هدیه بر اهدا کننده،نوشته بر نویسنده و فرستاده بر فرستنده. (همان:13)سبزواری نیز چنین می نویسد:« چون عادت چنان شده بود که از عقل و اداب رسولان استدلال بر مرسل می نمایند باید که در باب اختیار ایلچی تامل تمام بشود.» (سبزواری،1377:816)

سفیرانی که از سوی دربار ایران انتخاب می گردیدند بیشتر از میان «اعیان قزلباش» بودند. (اسکندربیگ،1377:ج2-617)برای سفارت های مهم از افراد کاردیده و با تجربه استفاده می

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

کردند ،کسانی که دارای سابقه سفارت بودند.چنانکه شاه عباس اول برای مذاکره با عثمانی ،محمد بیگ را که در سفارت هند از خود کاردانی فراوان نشان داده بود،فرستاد. (همان:1364)این افراد علاوه بر این که می توانستند از دیوانیان مرکز حکومت باشند،حکام و دیوان سالاران ایالات یا شهرها نیز بودند.(همان:811) برخی اوقات که شاه از پایتخت نمی توانست فردی را برگزیند این وظیفه را به حکام ایالات واگذار می کرد. (هربت:بی تا:5) آنها زمینه ی ترقی بیشتری نسبت به دیگران داشتند.شاردن از بوداق سلطان نام می برد که در دوره عباس دوم به هند رفت و بعدها موفق شد به منصب تفنگ چی باشی دست یابد. (شاردن،1372:ج5 :1734) در اوایل دوره شاه سلیمان بوداق سلطان آنچنان قدرتمند بود که سفیر هلند برای دیدار با شاه و کسب امتیازات با دادن رشوه به او توانست امور خود را پیش ببرد.(همان:1659) هدایایی که سفیر می بایست برای مقام های خارجی ببرد هزینه ی هنگفتی را در بر می گرفت که نیمی از آن را خزانه شاهی تامین می کردند و مابقی را از ایالتی که تحت نظر او بود تهیه می شد. (الئاریوس،1363:317)

همراه با سفیر افرادی گسیل می شدند که وظیفه داشتند گزارش سفر را برای شاه بنویسند. سبزواری در این خصوص و اهمیت آن چنین می نویسد:« باید که با رسول جمعی باشند که بر حقیقت حالات مطلع باشند و روزنامه به تفصیل در همه باب می نوشته باشند و اگر متعدد باشند بهتر است.چه پادشاه تفصیل هر یک را ملاحظه نماید و از موافقت و مخالفت آن را با یکدیگر منظور دارد و در این باب در خفیه تاکید نماید که از جزئیات و کلیات چیزی نگذارند که ننویسند و به عرض نرسانند. و به احتیاط نزدیکتر آن است که پادشاه پیش از آنکه رسولان او داخل مملکت او شوند چون نزدیک به سرحد رسند امینی بفرستد که تفاصیل و روزنامه هایی که نوشته اند گرفته سر به مهر به حضور آورد تا ایشان را راهی به تغییر آن بنابر ظهور مصلحتی نباشد و همه چیز به راستی به پادشاه رسد.»(سبزواری،1377:818) در دوره قاجار رسم فرستادن گزارش نویس هنوز برقرار بود؛اما آنها آشکارا با سفیر بودند و چیزی را از او پنهان نمی کردند.گزارش نویسان وظیفه داشتند بصورت روزانه حوادث را یادداشت کنند.این گزارش ها شامل موارد متعدد و گوناگونی می شد:از شرح مذاکرات روزانه سفرا با ارکان و امرای

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

دولت های خارجی گرفته تا حوادث پیش پا افتاده یی همچون سقوط نگهبان از پشت بام. (شیرازی،1363:22)

از سفرا انتظار می رفت علاوه بر این که پیام شاه را به دیگر حکام برساند، در هنگام سفر به کشورهای دیگر،اطلاعات لازم را در خصوص آن کشور بدست آورند. (هدایت،1356:76) سبزواری این را جز وظایف سفیر قرار می دهد:« وبباید دانست که پادشاهان که به یکدیگر رسول می فرستند نه مقصود همان باشد که در نامه و پیغام مذکور می شود بلکه غرض افتاده که به قدر امکان بر کماهی حالات آن پادشاه و ملک او اطلاع حاصل شود و بداند که لشکر آن پادشاه و آلت و عدت او به چه اندازه و کیفیت است.و در خوان و مجلس چگونه است؟و ترتیب درگاه و بارگاه و نشست و برخاست و چوگان و شکار و خلق و سیرت و بخشش و کوشش و دیدار و کردار چگونه است؟ظالم است یا عادل؟پیر است یا جوان؟ولایتش آبادان است یا خراب؟لشکر از او خشنودند یا نه؟سیرت او محمود سپاه ورعیت است یا نه؟لشکر او بر دین اویند یا نه؟لشکرش توانگرند یا درویش؟بخیل است یا سخی؟در کار بیدار و هشیار است یا غافل؟وزیرش صاحب عقل و کفایت و دیانت و حسن سیرت است یا نه؟ سپه سالارانش شجاع و کار دیده و کارآزموده اند یا نه؟ ندما و مصاحبانش عاقل و شایسته و امین و قابلند یا نه؟ خزاین و اموالش وافر است یا نه؟ رعایا در دوستی او ثابتند یا نه؟ صحبت او بیشتر با اهل عقل و فضل و عفت و شجاعت است یا باجاهلان و کم خردان؟ پادشاهان اطراف ملک او با او در چه مقامند و خصوصیات احوال ایشان چگونه است؟منازعان در ملک دارد یا نه؟ در کار و امور دین و ترویج مذهب خود صلب است یا نه؟با رحمت و شفقت است یا صاحب و قساوت؟میل او بیشتر به هزل است یا جد؟در لهو و لعب بسیار می کوشد یا نه؟باید که رسول در تحقیق و تشخیص این امور کمال جد و جهد بنماید تا اگر وقتی منازعتی در میان آید و ملک قصد آن پادشاه و اراده تسخیر ناحیه ای یا فتح قلعه ای از آن ملک داشته باشد تصرفی حاصل باشد. و همچنین باید که رسول تحقیق منازل و راهها و آبها و کوهها و عقبه های آن ولایات نماید و بداند که از آبها با لشکر توان گذشت یا نه؟ و بداند که معبرهای آبهای بزرگ کجاست؟و آذوقه هر ناحیه چگونه است و علف یافت می شود؟و اتصال هرجا به ملک بیگانه و آشنا و ارتباط هر ناحیه به هرکس و لشکر هرجا و مستحفظان قلعه ها و کیفیت قلاع و مواضع حصین استعلام می نموده باشد نه

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

به حدی که این امور آشکار گردد و باعث توهم و خوف ایشان شود و به تقریبآن تهییج فتنه شود بلکه امور مذکوره بر وجه لطیف حکیمانه که مفضی به آفتی نباشد استعمال شود.»(سبزواری،1377:819) سفرای کشورهای دیگر که به ایران می آیند نیز همین شیوه را در پیش می گیرند.از این رو باید مانع از اختلاط آنها با مردمان عادی شد و وزرا در هنگام مذاکره باید دقت بسیار به عمل آورند تا مبادا اطلاعاتی به آنها بدهند که به زیان دولت شود.(همان:820)

ورود سفرای خارجی از مرز تا پایتخت

سفرای خارجی زمانی که به مرزهای ایران می رسیدند ورود خود را به حاکم اولین شهر مرزی اعلام می کردند. (کمپفر،1350:242-سانسون،1346:19)او نیز موظف بود بی درنگ دربار را از ورود آنها آگاه کند. (قزوینی،1329:34-کمپفر،1350:242)حاکم شهر با بزرگان از سفیر و همران او بطور رسمی استقبال می کرد.(فلور،1356:70-فیگوئروا،1363:67-Herbert:1928:50) الئاریوس مراسم استقبال را چنین شرح می دهد:«هنوز دو مایلی شهر بودیم که یک نفر پیاده به طرف هئیت سفرا آمد و گفت به منطقه حکومت خان خوش آمدید.نرسیده به شهر شخص خان به استقبال خواهد آمد.هنوز در یک مایلی شهر بودیم که سی نفر سوار تمیز برای دیدن ما آمدند و فورا چهار نعل بازگشتند. چند لحظه بعد در کنار یک دهکده صد نفر بر اسب های اصیل طوری قرار گرفته بودند که ما می بایست از میان آنان بگذریم.پس از دوبار شلیک توپ،دسته سوار که بین آنها دوازده نفر با کلاهی ویژه بودند به ما نزدیک شدند و به ترکی و لحنی دوستانه گفتند خوش آمدید.هنگامی که به همراه آنان حدود نیم مایل اسب راندیم طرف راست خود برفراز یک تپه ،سپاهی را با تعداد بیش از پنج هزار نفر دیدیم.زمانی که به نزدیک آنها رسیدیم خان با همراه خود در حالی که دیگران با طرزی با شکوه در پشت وی حرکت می کردندسوار بر اسب به سوی سفرا آمدند.» (الئاریوس،1363:55)او سپس به توصیف مراسم مختلفی که در حین استقبال از آنها انجام شد می پردازد،از جمله نواختن موسیقی،رقص و اواع بازی های محلی. (همانجا)این شیوه

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

استقبال در تمام شهرهای مسیر حرکت سفیر صورت می گرفت و حکام و بزرگان ملزم به اجرای آن بودند. (همان:103-قزوینی،1329:34-کمپفر،1350:243)

سفرا و همراهانش به محض ورود به خاک ایران مهمان شاه تلقی می شدند و شاه تمام مخارج آنها را می پرداخت.(سانسون،1346:90-فلور،1356:78-کمپفر،1350:244)هزینه ها یا بصورت جنس به هئیت داده می شد یا بصورت پول نقد تا آنها خود مواد مورد نیاز را خریداری کنند.الئاریوس مواد غذایی را که در شماخی به آنها داده می شد چنین بر می شمرد:روزانه هفده راس گوسفند،بیست عدد مرغ،یکصد عدد تخم مرغ،مقدار کافی نمک و نان ،پنجاه بانمن(هر بانمن 3 کیلو)شراب(؟) و بیست بار خر هیزم. (الئاریوس،1363:60)در پایتخت مخارج معمولا در اول هر ماه یکجا پرداخت می شد.در کنار آن مهماندار خاص دیگر نیازمندی های آنان را به اطلاع شاه می رساند. (سانسون،1346:93)

حاکم نقاط مرزی موظف بود تعداد مورد نیاز اسب و قاطر و شتر جهت حمل وسایل سفیر و همراهانش در اختیار آنان قرار دهد. (همان:Herbet:1928:50-92)همچنین برای استراحت آنها خانه یی را درنظر می گرفت. سفرا در طول مسیر بوسیله ی راهنمایانی که حکام در اختیار آنها قرار می دادند به سمت پایتخت هدایت می شدند. (کمپفر،1350:242)در نزدیکی مرکز حکومت آنها را در خانه یی اسکان می دادند و ورود آنها را به اطلاع شاه می رساندند. (سانسون،1346:93)پس از تعیین مهماندار خاص ،او به همراه تعدادی از بزرگان برای استقبال به بیرون از شهر می رفت.اگر سفیر اروپایی بود،اروپاییان ساکن در شهر نیز جزء هئیت استقبال حضور می یافتند. (تاورنیه،بی تا:199-فلور،1356:77-کمپفر،1350:244) با توجه به مقام و اهمیت سفیر افراد استقبال کننده نیز متفاوت بود.بطور مثال زمانی که فیگوئروا نزدیک قزوین رسید شاه،داوودخان برادر امام قلی خان را مامور استقبال از او کرد؛زیرا برای سفارت اهمیت خاصی قائل بود و امید داشت منجر به عقد اتحادی بر ضد عثمانی گردد. (فیگوئروا،1363:360)

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

باریابی سفرا

سفرا در مهمانی های عمومی که تمام درباریان با شکوه و جلال بسیار در آن شرکت می جستند و ایرانیان به آن «مجلس» می گفتند به حضور شاه بار می یافتند. (کمپفر،1350:241)مجالس رسمی برای بحث درباره ی امور مملکت ،اعطای مشاغل ،پذیرفتن سفرای پادشاهان خارجی و ... تشکیل می شد و پس از آن مهمانان به صرف شام نیز دعوت می گردیدند. (همان:33)در هنگام باریابی ابتدا هدایا و پیشکش ها را به شاه نشان می دادند.سپس اعضای سفارت وارد می شدند.اولئاریوس فردی که مسئول تنظیم بار دادن بود«یساول صحبت»می نامد. (الئاریوس:1363:191)اما سانسون مسئول این کار را «ایشیک آقاسی باشی» می داند. (سانسون،1346:54)یساول صحبت زیر فرمان ایشیک اقاسی خدمت می کرد و اگر این وظیف را بر عهده داشت از سوی محول شده بود.شاه برای بار دادن به سفرا از کاخ ویژه و جداگانه یی استفاده نمی کرد؛بلکه برای این کار اماکن و کاخ های گوناگونی را در نظر گرفته بود. (الئاریوس،1363:194-کمپفر،1350:241)سفرا اجازه بار خصوصی نمی یافتند و در این مورد تنها با می توانستند بطور خصوصی گفتگو کنند. (دلاواله،1370:324) تنها امتیازی که برای برخی از فرستادگان در نظر می گرفتند این بود که در مجلس او را در کنار شاه می نشاندند؛بگونه یی که در نزد سفیر و شاه تنها جایی برای مترجم می ماند. (همان:312)

در هنگام بار برای معرفی و نشستن سفرا،بزرگان مجلس بازوی آنها را گرفته و آنها را راهنمایی می کردند.اولئاریوس این کار را وظیفه شاهزادگان می داند. (الئاریوس،1363:196)اما سانسون این را وظیفه ایشیک آقاسی باشی ذکر می کند. (سانسون،1346:54)این یک رسم قدیمی بود که در دربار تیمور نیز اجرا می شد.اولئاریوس در مورد این رسم چنین می نویسد:«گرفتن بازوان فرستادگان توسط شاهزادگان که این عمل را با دو دست خود انجام می دهند در واقع آنان را در بغل می گیرندکرداری مرسوم است که در مورد تمام سفرای خارجی اعمال می شود و گویا ضمن این که نشانه عالی ترین مراحم شاهانه است نوعی احتیاط در برابر سوء قصد احتمالی نسبت به جان شاه هست.» (الئاریوس،1363:196)

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

پس از ادای احترام سفرا،شاه توسط یکی از بزرگان-ایشیک آقاسی باشی یا مهمانداباشی-از نام و نشان فرستادگان و این که فرستاده کی هستند پرس و جو می کرد.سفرا نیز بوسیله دیلماج خود را معرفی کرده و استوارنامه خود را ارائه می دادند. (همان:197)استوارنامه یا اعتبارنامه در واقع سند سفارت بود که در آن شرح ماموریت سفیر قید می شد.قبل از بار این استوارنامه ها را به فارسی ترجمه می کردند. (شاردن،1372:ج5 :1730)پس از آن از مهمانان با شیرینی و میوه و غذا پذیرایی می شد. پس از صرف غذا مراسم شراب خواری شروع می شد که تا نیمه های شب طول می کشید. (الئاریوس،1363:201)شاه در مجلس افرادی را می گمارد تا از گفت و شنود بین سفرا برای او گزارش تهیه کنند. اولئاریوس آن را چنین توصیف می کند:«در اثنای صرف غذا و مراسم متوجه شدیم ایرانی ها در اتاقی که در آن پشت قرار داشت و جلوی آن پرده یی آویخته شده بود،یک تن ایرانی آشنا به زبان های پرتغالی و ایتالیایی را پنهان کرده بودند تا از گفتگو سفرا با یکدیگر و مترجمان شان و نیز داوری آنها درباره ایرانی ها آگاه شوند.»(همان:200)

مذاکره با سفرا

در دوره صفویه افراد مختلفی با توجه به مقام و منزلت شان درگیر مذاکرات با سفرای دولت های خارجی بودند.برخی مواقع آنها را با اصطلاح«وزرا» به طور کلی خطاب می کردند. (کاره،1387:95)بدون این که نوع مسئولیت آنها را مشخص کنند.هرچند گفته شده که شاه عباس در امور مهم شخصا با فرستادگان خارجی گفتگو می کرد و اجازه نمی داد فرد دیگری در آن دخالت کند، (دلاواله،1370:312)یا برخی مواقع خود از شاه می خواستند بی واسطه و مستقیم با شاه مذاکره نمایند (اسکندربیگ،1377:ج2 1299) با این وجود حتا در چنین مواردی نیز شاه از مشورت و رایزنی با نزدیکان و مشاورانش خودداری نمی کرد. در این مورد باز هم سفرا قبل از دیدار با شاه موضوع مورد مذاکره خود را از طریق وزرا به شاه اطلاع می دادند. (فیگوئورا،1363:271)در خصوص مذاکرات سفرا با وزرای ایران دو عامل در افراد شرکت کننده در گفتگوها موثر بودند:الف)جو حاکم بر دربار ب)نوع ماموریت سفیر. در دوره شاه عباس دوم بیشترینه ی افراد با منصب نظامی مامور دیدار و پذیرایی از سفرا بودند.در سال

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

1066هـ هنگامی که سفیر عثمانی-اسماعیل آقا-به ایران آمد،قورچی باشی و قوللر آقاسی مامور پذیرایی و مهمانی از او شدند. (قزوینی،1329:222)چندسال قبل از این نیز به هنگام ورود سفیر عثمانی«نواب اعلیحضرت ظلل اللهی امر فرمودند که ارکان دولت قاهره نیز ایلچی را طلب نموده لوازم مهمانی بعمل آورند... نخست میرزا تقی اعتماد الدوله متکفل امر مزبوره شده انواع ماکول و اصناف آماده گردانید و بعد از مومی الیه جانی خان قورچی باشی و بعد از مهمانی مشارالیه مرتضی قلی خان ایشیک آقاسی باشی و دیوان بیکی لوازم ضیافت بتقدیم رسانید و بعد از وقوع امر مزبوره مومی الیه را بانعامات و خلاع فاخره سرافراز فرموده جواب نامه مشتمل بر استحکام مبانی صلح قلمی نموده.ایلچی مزبور را رخصت انصراف ارزانی داشتند.» (همان:54)

اگر سفیری برای امور تجاری به ایران می آمد با تاجرباشی سر و کار داشت.هنگامی که یان اسمیت-سفیر کمپانی هند شرقی هلند- در اواخر دوره ی شاه عباس اول و اوایل سلطنت شاه صفی به ایران رسید از طرف «ملایم بیگ»تاجر باشی به صرف ناهار دعوت شد.همچنین او طرف قرارداد هلندیان بود و آنها موظف بودند اجناس خود را به او تحویل بدهند و از او ابریشم تحویل بگیرند. (فلور،1356:88) علاوه بر این اگر سفیر وظیفه عقد قرارداد یا تجدید قرارداد را داشت،شاه یکی از معتمدان خود را برای مذاکره با انتخاب می کرد و سفیر از طریق او پیام ها و نامه های خود را به شاه می رساند.این فرد با مهماندار متفاوت بود. (همان:94)

هم اعراب و هم اروپایی ها ایرانیان را مردمانی سیاس می دانستند.ابن الفراء به نقل از نویسنده کتاب «السیاسه العامه» می نویسد که نزدیکان اسکندر ، او را از فرستادن سفیر به نزد ایرانیان بر حذر می داشتند چرا که ایرانیان از سفرا امتیاز می گیرند و چیزی بدانها نمی دهند. (ابن الفراء،1947:23)تاورنیه نیز می نویسد از آنجایی که ایرانی ها مردمانی بسیار باهوش و در امور سیاسی سرآمد تمام رجال مشرق زمین اند،به پادشاهان اروپایی پیشنهاد می کند که اگر بخواهند سفیری به ایران بفرستندکسی باشد که بتواند شان آنها را نگه دارد. (تاورنیه،بی تا:201)

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

مجلس مشورتی و نقش شاه در تصمیمات سیاست خارجی

وزرا و کارگزاران هر روز صبح و عصر در کاخ در عمارتی به نام «کشیک خانه» گرد می آمدند و در حضور شاه به بحث و تصمیم گیری در خصوص امور جاری کشور می پرداختند.ظاهرا حضور شاه دائمی و مداوم نبود.او تنها برای بیان موضوعات و شنیدن تصمیمات خاص حاضر می شد. مسایل دیگر را شاه به مجمع ارجاع می داد و جمع پس از شور و مشورت نتیجه مذاکرات را به شاه گزارش می کردند. (شاردن،1372:ج3 1159)درباره مسایل خارجی ،سیاست رسمی دولت صفوی دوری جستن از شتابزدگی و عجله کاری بود.کارگزاران آن دولت اعتقاد داشتند:«گذشت زمان بیش از یک سپاه کار انجام می دهد.» (سانسون،1346:170)شاه عباس حتا بار دادن و مرخص کردن سفرا را نیز به بهانه های مختلف به تاخیر می انداخت.(کمپفر،1350:246)بهترین دلیل «وضع کواکب و ایام سعد و نحس» بود که مانع از هرگونه اعتراضی می گردید.دلاواله دلیل این کار او را شناسایی بهتر سفیر و مقاصد او می داند. (دالاواله،1370:187)

تصمیمات اتخاذ شده در مجمع بر اساس مصالح اساسی حکومتی بود.هر چند بعدها به دلیل رقابت بین دسته های مختلف درباریان در عمل اتخاذ هر گونه خط مشی سیاسی یکپارچه و واقع بینانه دشوار گردید؛اما نمی توان با این دیدگاه ریاض الاسلام که«اغلب مواردی وجود دارد که روابط خارجی را هوس ها و هیجانات و تعصبات پادشاه حاکم تعیین می کرد» (ریاض الاسلام،1373:313) تایید نمود. حتا بطور یقین در مورد شاه عباس اول که گفته می شود«روابط خارجی خود را بنابر مصلحت شاهنشاهی اداره می کرد و در تنظیم روابط خارجی ایران با قدرت های آسیایی و اروپایی، به بهترین وجه به مصالح اقتصادی آن توجه نمود» (همان:315) نمی توان نقش مشاوران او را نادیده گرفت. گزارش هایی در دست است که نشان می دهد در مواردی که سفیر یک کشور در خواست مذاکره مستقیم با شاه را داشت او بدون حضور نزدیکان خود با سفیر گفتگو نمی کرد. (دلاواله،1370:366)

مورخان ایرانی و نیز هندی،شاه را مظهر کامل پرتوی الهی می دانستند. از این رو تمامی مسایل روی داده را تنها به او منتسب می کردند.ریاض الاسلام در خصوص روش ابوالفضل

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

علامی در این باره چنین می نویسد:«روش ابوالفضل این بود که اصل و اعتبار هر یک از اقدامهای مهم و موفقیت آمیز را به امپراتور نسبت می داد.شیوه ی او مبنی بر ارائه تصویری از امپراتور ،به عنوان یک پادشاه خودمدار،نقش مقامات و مشاورین پادشاه را به طور حتمی در تاریکی قرار می دهد.شاید بتوان خاطر نشان ساخت که این امر مطابق با اصول عقاید سیاسی ابوالفضل می باشد. او اظهار می دارد که یک پادشاه بی نیاز از افراد دیگر،خود پرتوی از عقل الهی است.او وقایع و رسوم دوران اکبر را صرفا به منزله ی تجسم افکار اکبر می پندارد.اکبر در نظر ابوالفضل همه خوبیها،خرد،دانایی و معرفت بود.او می گوید که وجود مقدس شاهنشاه منبع صفات کامل و معدن اصول مقدس است.» (ریاض الاسلام،1373:321)

همین ویژگی ها را می توان در کتاب های تاریخ دوره صفوی دید؛جایی که به شاه صفاتی همچون«ظل الله» (قزوینی،1329:54)،«خدای گونه» و«آگاه از اسرار درون» (اسکندربیگ،1377:ج3 :1872) نسبت می دهند.بی تردید در چنین برداشتی ، برای دیگران هیچ جایی جهت ابراز وجود قائل نمی شوند.هر چه هست در شاه خلاصه می شود.او مظهر عقل کل است و تمام تصمیمات صائب به او منتسب است.در چنین فضایی«وزیران از نظر ادب و احترام گذاری به پادشاه در اتخاذ هر گونه تصمیم کمترین سهمی برای خویش قایل نمی شوند و جمله را اراده و تدبیر شاه می شمرند.» (شاردن،1372:ج3 :1183)بطور کلی افراد زیر در مذاکره و ارتباط با سفرا بیشترین نقش را داشتند:اعتماد الدوله،واقعه نویس(وقایع نویس)،مهماندار باشی، ایشیک آقاسی باشی و...

اعتمادالدوله

اعتماد الدوله فرد دوم مملکت بود و در دست راست شاه می نشست.این منصب از زمانی که نفوذ امرای قزلباش از میان رفت مجالی برای رشد پیدا کرد.وظایف او عبارت بودند از:کلیه ی انتصابات اعم از مقامات عالی و دانی با امضاء و تصدیق وی به مرحله اجرا می رسید و اداره امور مالی مملکت و ممیزی کلیه داد و ستد مربوط به مالیات با وی بود و صحت عملیات کلیه ارباب مماصب مملکتی را مورد مطالعه قرار می داد.در دوره شاه عباس دوم دارنده ی این منصب چنان قدرت مند شد که بدون مهر او فرامین شاه اجرا نمی گردید.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

(مینورسکی،1334:82)شاه در تمامی امور با او مشورت می کرد. (کمپفر،1350:33)با وجود این در بسیاری از موارد نظر مشورتی او در حرمسرا نقض می شد. (همانجا)اما در مسایل خارجی نقش اساسی در مذاکرات ایفا می کرد و حق توانایی پذیرش یا رد قراردادها را داشت. (همان:75) سانسون مقام او را همردیف وزارت امور خارجه قرار می دهد. (سانسون،1346:43)او فردی بود که با مسایل سیاست خارجی آشنایی داشت. هئیت های خارجی که به ایران وارد می شدند همیشه یکی از طرفهای مذاکره کننده شان اعتماد الدوله بود که معمولا بصورت مهمانی این گفتگوها انجام می گرفت. (الئاریوس،1363:317- قزوینی،1329:54) هنگامی که هئیت سفارت سوئد به ایران برای عقد قرارداد بر ضد عثمانی به ایران آمد شیخ علی خان زنگنه- اعتماد الدوله وقت- دلیل مخالفت خود را چنین بیان کرد:«پذیرفتن تقاضای شما یعنی اقدام شاه به جنگ که نه با قرارداد صلحی که ما با خداوندگار(سلطان عثمانی) منعقد کرده ایم موافقت دارد و نه اوضاع و احوال روزگار ما چنین اجازه ای می دهد.از این گذشته مسافات بعید مانع از آن است که ما بتوانیم به عنوان متفق واقعی حفظ و حمایت کنیم و اخبار و اطلاعات مبروط به اهداف و موفقیت های جنگ را به اطلاع یکدیگر برسانیم.وقایع دوره شاه عباس کبیر به ما می آموزدکه چنین اتحادی خطرناک است.زیرا او هم با فرنگی ها متحد بود؛ولی چون مسیحیان بدون اطلاع قبلی و موافقت او با ترکها عهد مودت بستند او ناگزیر شدکه تمام بار جنگ را یک تنه به دوش بکشد.» (همان:85)این شیوه با تمام سفرای اروپایی که به ایران جهت عقد قرارداد بر ضد عثمانی می آمدند در پیش گرفته می شد.چرا که با توجه به تجارب قبلی ایرانیها «فرنگی ها» را افراد قابل اعتمادی نمی دانستند.از سوی دیگر درگیری عثمانی ها در اروپا برای دولت ایران غنیمت بود و مانع از توجه آنها به سمت مرزهای شرقی و ایجاد اغتشاش در روابط ایران و ازبکان می گردید. (سانسون،1377:175)

واقعه نویس(وقایع نویس-مجلس نویس)

از مناصب مهم درباری در دوره صفویه بود که صاحب آن در غیاب اعتماد الدوله امور مربوط به او را انجام می داد.وظایف او بر سه گونه بود:الف)ثبت و کتابت مذاکرات جلسات یا تنظیم

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

صورت جلسه. (مینورسکی،1334:95)ب)فرامین شاه را بصورت مقتضی و صحیح و مناسب در آورد؛زیرا بسیاری از فرامین شاه شفاهی بود. (همان:96) رسانیدن گزارش وقایع و عرایض به سمع شاه.او گزارش های حکام را از هر نوع اعم از تقاضا و اخبار و اطلاعیه برای شاه می خواند و پاسخ شاه را یادداشت می کرد. (همان:97)شاردن از او به عنوان مشاوره شاه در امور خارجه نام می برد که در سمت چپ شاه می نشست. (شاردن،1372:ج3 :1214)از این رو به وزیر دست چپ نیز مشهور بود. (کمپفر،1350:98)به هنگام«بروز وقایع مهم در انتخاب طریق مقابله با آن،با سفیران و فرستادگان ممالک بیگانه چگونه باید رفتار کرد و برای انعقاد پیمان های مختلف با کشورهای بیگانه چگونه باید گفتگو و رفتار کرد و برای انعقاد پیمان های مختلف با کشورهای دوست باید چه روشی در پیش گرفت و چه موادی در قراردادها گنجاد»همیشه طرف مشورت شاه قرار می گرفت. (دلاواله،1370:237)تمام سفیران خارجی که به دربار صفوی می آمدند با او مذاکره می کردند. (فیگوئروا،1363:322)وقایع نویس برای این کار دو دفتر جداگانه داشت:دفتری که نامه ها و اعتبارنامه های سفرای خارجی را ثبت می کرد.در دفتر دوم روز ورود و مقاصد و محل اقامت آنها را می نوشت. (شاردن،1372:ج3 :1214)او همچنین نظارت بر ترجمه نامه ها را نیز بر عهده داشت.یان اسمیت می نویسد که به دلیل سوءظنی که ایرانیان نسبت به خارجیان دارند نامه ها را به شخص دیگری هم برای ترجمه می دهند تا پس از آن با ترجمه هایی که توسط سفرا و همراهانش تهیه شده مقایسه کنند. (فلور،1356:97)پس از ترجمه نامه،واقعه نویس آن را به پادشاه ارائه می داد و او جواب آن را در حاشیه نامه می نوشت و واقعه نویس بر اساس آن حاشیه پاسخ نامه را می نگاشت. (شاردن،1372،ج3 :1214-دلاواله،1370:282-تاورنیه،بی تا:576-سانسون،1346:51-کمپفر،1350:98)

مهماندار باشی

در دربار صفوی مهمانداراباشی یک منصب مهم و پر در آمد بود که وظیفه نظارت و مراقبت از خارجیان و سفرای دول دیگر را بر عهده داشت.او برای انجام بهتر وظایف محوله برای هر یک از سفرا مهمانداری در نظر می گرفت که از او به عنوان مهماندار خاص یاد می شد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

وظایف مهماندار باشی:

وظیفه ی او آماده کردن کلیه وسایل پذیرایی سفیران و نمایندگان و فرستادگان کشورهای بیگانه بود.مهمانداراباشی هنگام نزدیک شدن سفیر یا نماینده کشورهای خارجی به پایتخت باید به پیشواز او می رفت و او را به حرمت تمام به خانه یی که پیش از این برای اقامتش در نظر گرفته شده راهنمایی می کرد.(شاردن،1372،ج3 :1227-دلاواله،1370:182) مهمانداری خاص برای خدمت به او بگمارد و اگر اجازه تشریف به حضور شاه یافته بود در وقتی که قبلا تعیین شده وی را به این سعادت نایل می کرد. (سانسون،1346:92)زود به زود به دیدارش می رفت و با گشاده رویی و سرعت عمل نیازمندی هایش را فراهم می آورد و پیام هایش را به شاه و وزیران می رساند و در این کار می بایست آمادگی بسیار می داشت؛زیرا کلیه گفتگوها و مذاکرات سفیران هنگامی که راغب و شایق نبودند که شخصا انجام دهند بوسیله ی او صورت می پذیرفت. (شاردن،1372،ج3 :1227-دلاواله،1370:182-کمپفر،1350:102) او اغلب در جوار مهمان عالی مقام به سر می برد تا به نام پادشاه به سزا از او مراقبت می کرد و دیگران را نیز به حرمت داری او و کلیه همراهانش تشویق می نمود. (کمپفر،1350:103)وی سایه آسا همه جا همراه مهمان می رفت تا با نهایت دقت و مراقبت به حرمتگزاری به خدمتش می کوشید و دستورهای شاه را درباره نکو داشت او مو به مو اجرا می کرد.

او موظف بود روز قبل از اهدای هدایا نزد سفیر رفته و از هدایا بازدید به عمل آورد و لیستی ار آنها تهیه می نمود. (فیگوئروا،1363:361) در هنگام بار دادن او سفرا را به شاه معرفی می کرد.او دارای لباس مخصوصی بود.سانسون او را چنین توصیف می کند:«او تاجی بر سر دارد و عصایی در دست.تاج او کلاه بزرگی است که از زری پوشیده شده و یک گوشه آن که باریک تر می باشد بالا کشیده شده است.لبه کلاه چندین منگوله دارد.قسمت پایین منگوله ها با طلایی که میناکاری شده زینت یافته است و جواهرات قیمتی به آن زده اند.قسمت بالای کلاه را از پر مرغ ماهی خوار پر کرده اند.» (سانسون،1346:45)مهمانداران معمولا از خاندان های متشخص و نزدیکان شاه بودند.دلاواله در مورد حسین بیگ-مهماندار باشی شاه عباس اول-چنین می نویسد:«او در کار خودش واجد صلاحیت زیادی است؛زیرا علاوه بر این که داماد یکی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

از خان های مهم دربار است،از یکی از قدیمی ترین خانواده های فارس است و در حوالی شیراز دارای آب و ملک فراوانی است که به ارث برده و حتا شاه نمی تواند از او خلع مالکیت کند.» (دلاواله،1370:182)

او به ساکنان محله یی که سفیر در آن جا خانه داشت موکدا توصیه می کرد که در تمام موارد و در همه گذرگاه ها از حرمتگزاری نسبت به سفیر غفلت نورزند و همراهانش را به هیچ بهانه یی نرنجانند.بطور خلاصه«مهماندار باشی از هر خدمتی که از دست و زبانش بر می آید نباید دریغ کند و برای ایفای کلیه وظایف که بر عهده اوست باید همواره آماده باشد. در دیدارهایی که با مهمانان خارجی دارد گاه گاه از آنان می پرسد آیا از رفتار و آمادگی مهماندارانی که به خدمتگری آنان گماشته است کاملا راضی اند و در صورت کمترین عدم رضامندی به فور آنان را عوض می کند.ولی قبلا دقت و مراقبت می کند که مهماندارانی به خدمت هر سفیر بگمارد که مناسب با روحیات و توقعات او باشند.بنابر این پیش اندیشی،اگر مهمانش سفیر یکی از کشورهای اروپایی باشد چون به شرابخواری و خوش گذرانی عادت دارد کسی را به مهمان داری و خدمتش می گمارد که خشک و متعصب نباشد و از باده گساری و عشرت جویی پرهیز نکند.» (شاردن،1372،ج3 :1228)

مهماندار خاص:

علاوه بر مهمانداریاشی که وظیفه نظارت عالیه بر پذیرایی از مهمانان داشت، برای هر یک از سفرا و مهمانان مهم نیز فردی جهت رسیدگی به امور او تعیین می شد که او را مهماندار خاص می نامیدند.او موظف بود به محض انتصاب به این منصب بلافاصله به پیشواز و استقبال به تزد سفیر حرکت کند و پیش از ورود سفیر به پایتخت مهماندار بایست به رتق و فتق امور او بپردازد. (قزوینی،1329:84) انتصاب مهماندار خاص به دو دلیل بود:1-احترام ویژه برای آن مهمان 2-تحت نظر گرفتن او. (هدایت،1356:73)به محض ورود سفیر به پایتخت مهماندار خاص موظف بود از قصد مسافرت،جزئیات آن،مدت اقامت،تعداد همراهان،حتا غذا در روزهای سال پرس و جو کند. (دلاواله،1370:185)برای پذیرایی از سفرای فوق العاده برخی کشورها-همچون هند-مهماندار خاص تا نزدیکی مرز به پیشواز می رفت.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

برای مهماندار خاص دستور العملی صادر می شد که او ملزم به رعایت آن بود.متاسفانه از دوره صفویه آثار چندانی در این خصوص بر جای نمانده است.شاید بتوان نامه تهماسب در مورد پذیرایی از همایون را جزء معدود اسناد آن دوره قلمداد کرد.اما از دوره قاجار چندین دستور العمل باقی مانده است که شرح کامل و جزیی وظایف مهماندار خاص و چگونگی استقبال و پذیرایی از سفرا را بازگو نموده اند.در مجموعه اسناد به شمااره 1538 کتابخانه مجلس شورای اسلامی «دستور العمل مقرب الخاقان علی نقی خان سرتیپ مهماندار جناب ایلچی فرانسه» مربوط به سال 1274هـق آمده که مهم ترین نکات آن را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

-در اول ملاقات مهماندار ضمن معرفی خود،شرح ماموریت خود را بیان نماید.

-هرچند براساس توافق بین ایران و دول متحابه به سفرای دو طرف اخراجات(هزینه سفر)پرداخت نگردد؛اما مهماندار«بجناب ایلچی تکلیف نمایند که اخراجات از کارگزاران ایندولت قبول نمایند و تمام هزینه سفیر تا دارالخلافه را بر عهده دولت ایران بداند.»

-مهماندار باید بهترین مسیر را انتخاب کرده و برای استراحت سفیر دهات و قصبات مناسب در نظر بگیرد.

-«نواب و حکام بلوکات و محالات واقعه[واقع] در عرض راه غیر از شهرهای معظم در خاک بلوک ابوابجمعی خودشان با عدد همراهان و سوار شایسته» از سفیر استقبال نمایند و در هنگام حرکت سفیر«کلانتر و کدخدا و صاحب منصب نظامی که در قراء قصبات بوده باشند با خود حاکم بلوک و کسان من تبع او مشایعت نمایند.»

-هیچ یک از حکام و ضباط و قراولان و فراشان اجازه مطالبه چیزی را ندارند.

-هرجا که نیروی نظامی حضور دارد در هنگام عبور سفیر باید احترام نظامی به عمل آورند.

-در تبریز ،حاکم آذربایجان یک نفر نظامی را به عنوان«رئیس مستقبلین» منصوب کند و او همراه بزرگان شهر ،خارج از شهر از سفیر استقبال نماید.

-اجازه ندهند ازدحام مردم مانع حرکت سفیر در شهر گردد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

-به محض ورود سفیر به شهر 21 توپ به احترام او شلیک گردد.

-پس از استراحت سفیر در خانه،«رئیس مستقبلین» به حضور برود.

-بازدید بزرگان شهر از سفیر و ادای احترام به او

-در هنگام حضور سفیر در نزد حاکم آذربایجان باید بر تعداد قراولان درب خانه حاکم افزدوه شود و «نواب شاهزاده رکن الدوله-مظفرالدین شاه بعدی-موافق معمول و نص صریح عهدنامه نباید بدیدن جناب ایلچی بروند و نباید بازدید نمایند.»در ادامه چگونگی استقبال شاهزاده از سفیر در تبریز و اتاقی که باید در آن از سفیر پذیرایی شود،چیدمان صندلی،چگونگی پذیرایی از سفیر و غیره به دقت بیان شده است.

در همین مجموعه دستور العمل دیگری مربوط به دوره ی ناصری موجود است که از وزارت امور خارجه به نام «مقرب الحضرت قلیخان سرهنگ»صادر شده و او را مهماندار وزیر مختار فرانسه کرده اند.این دستور العمل به روال دستور العمل پیشین است؛با این تفاوت که که در دومی ذکری از اخراجات راه نیست و چون وزیر مختار از مسیر گیلان به تهران می آمد دستورهای ویژه یی برای والی گیلان در این خصوص صادر شد.نکتهی جالب در هر دو دستورالعمل آن است که شاهزادگان قاجار را از رفتن به نزد سفرا منع کرده اند و ان را وظیفه سفیر تلقی می کردند که به این کار مبادرت ورزد.

ایشیک آقاسی باشی

او رئیس بزرگ تشریفات بود و وظیفه برقراری نظم و ترتیب در مجالس را بر عهده داشت. (تاورنیه،بی تا:576) سفرایی که توسط مهماندار باشی به داخل مجلس هدایت می شدند در حالی که او زیر بازوی شان را می گرفت پیش تخت شاه می برد تا در آنجا عرض ادب و احترام کند و واسطه تبادل نطق های تشریفاتی و سوال و جواب بین شاه و سفیر می شد. (فلور،1356:79)او جای هر سفیری را مشخص می ساخت و اجازه نمی داد در حضور شاه بی نظمی ایجاد گردد. (کمپفر،1350:100-سانسون،1346:50) در برخی مواقع وظیفه تهیه پاسخ نامه های سفرای خارجی را نیز بر عهده داشت. (فلور،1356:90)از امتیازات او یکی آن

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

بود که ده درصد از هدایا و پیشکش هایی که به دربار می آمد نصیب او می گردید. (مینورسکی،1334:89)

ناظر

او وظیفه ی رسیدگی و مراقبت در امور کلیه ی بیگانگانی که به قصد بازرگانی از راه خشکی یا دریا وارد ایران می شدند و به کار تجارت می پرداختند بر عهده داشت.او موظف بود هزینه ی پذیرایی سفیران بیگانه را در بدو ورود بپردازد،محل مناسبی برای سکونتشان در نظر بگیرد و درباره انتخاب هدایایی که از طرف شاه به ایشان داده می شد،مشارکت ورزد. (شاردن،1372- ج3 :1215)

یساولان صحبت

کلمه یساول از ریشه واژه ی مغولی یاسا به معنی قانون یا فرمان است و یساول به کسانی گفته می شد که اوامر و فرمان ها را در حضور شاه اجرا می کردند.یساولان صحبت از اعتماد کامل شاه برخوردار بودند.آنها از میان پسران نجیب زاده ترین امرا برگزیده می شدند و زیر نظر ایشیک آقاسی باشی خدمت می کردند. (مینورسکی،1334:121)هنگام شرفیابی سفیران و نمایندگان و فرستادگان کشورهای خارجی یساولان صحبت به پیشواز آنها می رفتند و آنان را به حضور شاه راهنمایی می کردند و هدایایی که اورده بودند یا دیگران فرستاده بودند از نظر پادشاه می گذراندند. (شاردن،1372-ج3 :1223)

کمپفر به حضور شیخ الاسلام و مجتهد نیز در روزهای بار اشاره می کند و با اشاره به نقش و اهیمت مجتهد در خصوص جنگ و صلح آن را ناشی از اعتقاد به این که«طبق آئین خداوند پیشوایی روحانی مردم و قیادت مسلمین بر عهده مجتهد گذاشته شده است» می داند. (کمپفر،1350:125) اما به نقش و جایگاه شیخ الاسلام در روابط خارجی هیچ اشاره یی نمی شود.اما با توجه به این که او «در مورد مسایل دینی و همچنین دعاوی حقوق مدنی بر مبنای فقه حکم می دهد» (همان:224) دولت صفوی نظریات مذهبی او را نمی توانست نادیده بگیرد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

نتیجه گیری:

در مورد موضوع روابط خارجی دوره ی صفوی علی رغم کارهای ارزشمندی که صورت گرفته هنوز نکات مبهم فراوانی وجود دارد.این ابهامات برخی ناشی از فقدان منابع و بعضی دیگر به دلیل رویکرد اروپا نگری به روابط خارجی ایران در این دوره است.هرچند این اثر بیشتر توصیفی است اما از میان آن می توان طرح چند نکته را یافت؛سیاست خارجی ایران در این دوره یک سیاست سیال و و صرفا بر اساس منافع و مصلحت کشور بود.بر خلاف پندار بعضی ها به نظر می رسد که سیاستمداران آن دوره از با تحولات سیاسی تا حدودی آشنایی داشتند و همین اطلاع و آگاهی آنان از رقابت های موجود در اروپا باعث شد که بعد از شاه عباس اول آنها تمایل چندانی به مشارکت در اتحادهای سیاسی-نظامی با اروپا نداشته باشند.تصمیم های که در این خصوص گرفته می شد نه فردی بلکه یک خرد جمعی بود که برای آن که بتوانند پشتوانه یی اجرای نیرومندتری بدان ببخشند آن را به شخص شاه منتسب می ساختند.

صفویان در روابط خارجی خود از ضوابط مشخصی پیروی می کردند که اثرات این ضوابط را هم در تشریفات دیپلماتیک و هم در شیوه های مذاکره می توان دید.نشان دادن شکوه و عظمت دولت صفوی،واقع گرایی و دوری جستن از خطر پذیری در روابط خارجی،برقراری روابط حسنه با تمام دولت ها و کشورها،احترام نهادن به تمام کشورها حتا دشمنان و... برخی از وجوه این ضوابط است.به نظر نگارنده هدف از اصلی در تشریفات دیپلماتیک دربار صفوی نشان دادن جاه و شکوه دربار و کسب شهرت بود.موضوعی که ظاهرا اروپاییان چندان ملتفت آن نشدند.از این رو رفتارسفرای ایران در اروپا را ناشی از غرور و نخوت فردی قلمداد می کردند.در حالی که رفتار آنها در چارچوب سیاست کلی دربار صفوی قابل توصیف است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

منابع:

-ابی علی الحین بن محمد المعروف بابن الفراء:کتاب الرسل و الملوک و من یصلح للرساله و السفاره،حققه صلاح الدین المنجد،مطبعه لجنه التالیف و الترجمه و النشر، قاهره، 1366ه.ق/1947م

-اسکندر بیگ منشی:تاریخ عالم آرای عباسی،به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی،3جلد، دنیای کتاب،تهران چاپ اول 1377

-الئاریوس،آدام:سفرنامه آدام الئاریوس،ترجمه احمد بهپور،سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، تهران چاپ اول1363

-تاورنیه،زان باپتیست:سفرنامه تاورنیه،ترجمه ابوتراب نوری،کتابفروشی اصفهان و سنایی، بی جا، بی تا

-دلاواله،پیترو:سفرنامه پیترو دلاواله،ترجمه شعاع الدین شفا،انتشارات علمی وفرهنگی،تهران، چاپ دوم 1370

-ریاض الاسلام:تاریخ روابط ایران و هند،ترجمه محمد باقر آرام و عباسقلی غفاری فرد،امیر کبیر،تهران چاپ اول 1373

-سانسون:سفرنامه سانسون؛وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی،ترجمه تقی تفضلی،بی نا،تهران،1346

- سبزواری،ملا محمد باقر: روضه الانوار عباسی(در اخلاق و شیوه کشورداری) ، مقدمه، تصحیح و تحقیق:اسماعیل چنگیزی اردهایی، آینه میراث، تهران ،چاپ اول 1377

-شاردن،جان:سفرنامه شوالیه شاردن،ترجمه اقبال یغمایی،انتشارات توس،تهران،چاپ اول1372

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

-فلور،ویلم:اولین سفرای ایران و هلند،ترجمه داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان،طهوری، تهران،1356

- فیگوئروا،دن گارسیا:سفرنامه فیگوئروا،ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران 1363

-کاره،بارتلمی آبه:سفرنامه آبه کاره در ایران،ترجمه احمد بازماندگان خمیری،گلگشت،تهران 1387

-کمپفر،انگلبرت:در دربار شاهنشاه ایران،ترجمه کیکاووس جهانداری،آثار ملی،تهران 1350

-مجموعه اسناد(نسخه خطی)،مجلس شورای اسلامی،شماره دست یابی،1538

-محمد طاهر وحید قزوینی:عباسنامه،تصحیح ابراهیم دهگان،کتابفروشی داودی اراک،اراک، اسفند 1329

-میرزا محمد هادی علوی شیرازی:دلیل السفراء،سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی(ایلچی) به روسیه،به کوشش محمد گلبن،دنیای کتاب،تهران چاپ اول بهار 1363

-مینورسکی:سازمان اداری حکومتی صفوی،ترجمه مسعود رجب نیا،انجمن کتاب ، تهران، بهمن 1334

-هدایت،رضا قلی خان:سفارت نامه خوارزم،کتابخانه طهوری،تهران،چاپ اول 1356

-هربت،مریس:سفارت ایران در دربار لویی 14،ترجمه عبدالحسین وجدانی،بنگاه مطبوعاتی پروین،تهران ،بی تا

-Thomas Herbert:Travels in Persia.abridged and edited by Sir William Foster.published by George Routledge and Sons LTD.London.1928

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]

Abstract:

After safavids established in Iran, the foreign relations and its circumstance be came to main of politic subject for the state. If we look after to this point that in this period Iran for the first time had directly relation with great the states in the world we can understand the importance of that. I in this article try to describe the diplomacy formalities and ceremonies in the safavids court and answer to this question that how was taken a decision about foreign relations. This research is shown that although the most of ambassadors had politic- economic duties but the safavids used of them to show their magnificence and glory. This also was shown that the great decisions was made up in the counsel assembly although it was called to the name of shah.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-04]